ب) طلب هلال در غدوه مشرق و عدم رؤیت آن، مستلزم رؤیت آن توسط اهل مغرب

وجه بعدیای که ایشان میفرمایند این است:

> **وجه آخر: إذا طلب الهلال في يوم الثلاثين في المشرق- أي: في مشرق الطالب- غدوة- أي: في أوّل نهاره- فلم ير لكونه في أوّل النهار تحت الأفق، فهو هنا- أي: في جانب المشرق- هلال جديد لا بالنسبة إليه، بل بالنسبة إلى الذين تحت أقدامه، فإنّ مشرقه مغربهم، و مغربه مشرقهم، و غدوّه مساؤهم، و مساءه غدوّهم، فإذا لم ير الهلال في المشرق في غدوة هذا- و ذلك لكونه تحت أفق مشرقه و هو بعينه أفق مغربهم، فيكون فوق أفق المغرب، فإذا بزغت الشمس و ظهرت فوق أفق المشرق و هو تحته، كان خارجا عن الشعاع- فهو هنا هلال جديد بالنسبة إليهم، رئي لما مرّ، أو لم ير لذلك**[1]

«وجه آخر: إذا طلب الهلال في يوم الثلاثين في المشرق- أي: في مشرق الطالب- غدوة- أي: في أوّل نهاره- فلم ير لكونه في أوّل النهار تحت الأفق»؛ روز سی ام است، **«فهو هنا- أي: في جانب المشرق-»؛** ایشان اهنا را به طرف مشرق زدند. من عرض کردم معلوم است برای آن طرف است. **«فهو اهنا هلال جديد»؛** خُب چطور میشود صبح سی ام هلال را ندیدیم، در همین طرف مشرقی که ندیدیم هلال جدید است.

«فهو هنا- أي: في جانب المشرق- هلال جديد»؛ نسبت به ما هلال جدید است؟! اینکه خلاف کل رساله مرحوم خواجویی میشود. مرحوم خواجویی این رساله را نوشتند تا صاحب ذخیره را رد کنند. بگویند رؤیت قبل از زوال، هلال جدید نیست. رؤیت قبل از زوال فایدهای ندارد. باید تا غروب صبر کنید. خُب پس چطور میخواهید بگویید هلال جدید همین طرف مشرق است؟

«لا بالنسبة إليه»؛ که حرف خلاف مشهور صاحب ذخیره میشود. **«بل بالنسبة إلى الذين تحت أقدامه»؛** کسانی که زیر پای او هستند، که الآن مشرق ما، مغرب آنها است، چون ما ندیدیم پس زیر افق است، پس آنها هلال بالای افق، دارند. آنها وقت مغربشان است. ما در وقت مشرقمان فهمیدیم هلال زیر افق است، خُب همین لحظه، مغرب آنها است، پس هلال بالای افقشان است. این مطلب روشنی است. البته به اشکال پنج درجه میرسیم.

شاگرد: در روز سی ام هلال باید بعد از خورشید طلوع کند.

استاد: درست است. وقتی بعد از خورشید طلوع می‌کند یعنی آن‌هایی که مغربشان است، بعد از خورشید غروب می‌کند. پس هلال دارند. «فهو هلال جدید بالنسبة الذین تحت اقدامنا»، نه نسبت به ما که حرف صاحب ذخیره شود.

شاگرد: یعنی ما که صبح نمی‌بینیم کسانی که صد و هشتاد درجه آن طرف تر هستند می‌بینند؟

استاد: آن‌ها در وقت غروبشان بالای افق هلال دارند.

شاگرد۲: این برای روز بیست و نهم آن‌ها است؟

استاد: صبح سیام ما است.

شاگرد۲: برای آن‌ها چطور؟

استاد: نمی‌تواند سی ام آن‌ها باشد. قانونش بیست و نهم آن‌ها می‌شود. اصلاً یک سؤال خیلی خوبی هست. نمی‌دانم تا حال بررسی کرده‌اند یا نه. اگر ما نرم‌افزاری ارائه بدهیم که بخواهد که بقاع زمین را بگوید، آیا معقول است که در کره زمین همه بلاد سی روز باشند یا همه بیست و نه باشند؟ یا اینکه خلافش، لابد منه است؛ یعنی یک جاهایی سی باشند و یک جاهایی بیست و نه. این هم سؤال خوبی است. ببینیم اینطور سر می‌رسد یا نه. نمی‌دانم جلوتر بحث شده یا نه.

شاگرد: تعبیر روایاتی که «هاهنا» دارد، به‌گونه‌ای است که خود راوی هم متوجه می‌شود که من باید «این» را بنویسم. خُب یا یک معنای خیلی روشنی نزد ذهن او داشته یا اگر نداشته عقلائی آن این است که بگوید «و اشار بیده الی فلان». این چه فضایی بوده که به این صورت بیان کرده؟

استاد: گمان من این است که تناسب حکم و موضوع در اینجا، استظهار را در حد «شمس فی رابعة النهار» می‌رساند. موضوع هلال جدید، هلال ون است. هلال ون برای کجا است؟ در عرف عام وقتی می‌گویند ماه شروع شد، هلال ون کجا است؟ طرف مغرب یک بلد است. پس اینکه حضرت فرمودند «هاهنا هلال جدید»، چون عرف می‌داند به‌صورت متعارف در وقت غروب به‌دنبال هلال جدید می‌گردیم، پس «هاهنا» یعنی طرف مغرب، که شانیت هلال جدید دارد، هلال جدید هست؛ ببینید یا نبینید. پس کلمه «جدید» دارد تعیین می‌کند که منظور مغرب است. به ذهن به این صورت می‌آید. حال باز هم عرض کردم احتمالات دیگر در حد صفر نیست. یعنی صحبت سر اظهریت است و اینکه با قرائن تشخیص دهیم ممکن است کدام مراد باشد.

فرمایش ایشان این شد:

« في أوّل نهاره- فلم ير لكونه في أوّل النهار تحت الأفق، فهو هنا- أي: في جانب المشرق- هلال جديد لا بالنسبة إليه، بل بالنسبة إلى الذين تحت أقدامه، ... فهو هنا هلال جديد بالنسبة إليهم، رئي لما مرّ، أو لم ير لذلك».

---

[1] رؤيت هلال، ج۱، ص: ۳۹۶

بازبینی #1
ایجاد شده 23 آوریل 2026 14:02:20 توسط ... .

به روزرسانی شده 23 آوریل 2026 14:04:27 توسط ... .